



روشهای آموزش عبادات به کودکان از منظر دین اسلام و علم روانشناسی



علی اکبر زاکی اصل

چکیده

تعلیم و تربیت کودک ابعاد متفاوتی از منظر دینی و روانشناختی دارد. یکی از مهمترین آن ها، نحوه آموزش عادات پسندیده از جمله عبادات و تکالیف شرعی به فرزندان می باشد. در کنار پژوهشهای تجربی روانشناختی، می توان بحث تعلیم و تربیت عبادیات را از سیره ی امامان معصوم علیهم السلام و با تکیه بر منابع و کتب شیعه که در این موضوع وجود دارد، استخراج کرد. نوشتار حاضر جستار کوتاهی است که به مباحثی چون شیوه های آموزش عبادت به کودکان، شرایط لازم برای آموزش و سن شروع آموزش تکالیف شرعی می پردازد و در ادامه عواملی را که باید مربی و والدین بکار بگیرند تا این هدف به شکل بهینه به دست آید بررسی می کند.

کلید واژه:

تربیت کودک، آموزش عبادات، سن آشنایی با عبادات، شیوه های آموزش تکالیف شرعی



مقدمه

انسان بیش از همه ی موجودات نیاز به تعلیم و تربیت دارد. از این جهت باید شخصی را که تمام زوایای تعلیم و تربیت را می داند، الگوی عملی قرار دهد؛ در این راستا فقط حضرات معصومین علیهم السلام هستند که به رمز و راز کمال و سعادت انسانی اشراف کامل دارند، لذا عقل حکم میکند برای تضمین راه سعادت و کمال کودکان در کنار توصیه های علم روان شناسی به مثابه یک ابزار مفید، به سیره ی این بزرگواران رجوع شود؛ پس در نتیجه تعلیم و تربیت باید رویکرد دینی داشته باشد. در مباحث روانشناختی و تربیتی بهترین شیوه جستجوی اصول انسانی شناسی در منابع دینی و کاوش موضوعات نو (مسائل مستحدثه) و ابزار های کارآمد در علوم انسانی از جمله روان شناسی و علوم تربیتی است.

بررسی مساله تربیت کودکان و سن مناسب آن در سیره معصومین

یکی از مهمترین مسائلی که در بررسی سیره امامان معصوم دیده می شود، این مهم است که آگاهی افزایش دینی باید متناسب با سن کودکان و با رعایت شرایط صحیح آموزش صورت بگیرد چون که نقش بسزایی در سرنوشت و آینده آنان ایفا میکند. برای سوق دادن کودکان به مسایل عبادی طبق فرمایش پیامبر گرامی اسلام (ص) باید این کار مرحله به مرحله انجام بگیرد.

حضرت می فرماید: هر گاه کودک به سه سالگی رسید به او گفته شود که هفت بار بگوید «لا اله الا الله» سپس تا سه سال و هفت ماه و بیست روزش شود، دوباره به او گفته شود هفت بار بگوید «محمد رسول الله» و رها شود تا چهار ساله شود؛ آنگاه به او گفته میشود که بگوید هفت بار «صل الله علی محمد و آل محمد» سپس تا پنج سالگی رها شود؛ آنگاه از او می پرسند که دست چپ و راستت کدام است؛ اگر دانست او را متوجه قبله میکنند و به او میگویند که سجده کن، سپس تا شش سالگی رها میشود تا هفت سالگی بعد از آن نماز، رکوع و سجود به او آموخته می شود. از آن پس به او وضو و نماز یاد می دهند بعد از این مراحل اگر کودک ترک کرد، تنبیهش میکنند. هنگامی که وضو و نماز یاد گرفت، خدا پدر و مادرش را می امرزد. (تفصیل و مسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، جلد ۲۰، ص ۴۲۴)

از این روایت برداشت می شود که باید تعلیم و تربیت عبادی و اعتقادی کودک گام به گام صورت بگیرد.

روشهای صحیح آموزش عبادات به کودک

روانشناسان دوره کودکی و نوجوانی را دوره بسیار حساسی از جهت نهادینه شدن عادات و رفتارها در فرد می دانند. از این رو چنانچه روش ناصحیحی از سوی مربیان در تعلیم و تربیت کودک انجام شود، چه بسا آثار منفی آن تا سالها در روح و روان فرد رسوب کرده و تاثیر منفی بگذارد. بنابراین کاربرد روش های صحیح مطابق با تعالیم دینی و تجربه های علم روانشناسی از سوی مربیان بسیار حایز اهمیت است. عوامل تعلیم و تربیت شامل تمام نظام تربیتی کودک است، لکن در مسایل عبادی کودک هم مورد استفاده قرار می گیرد. در ادامه برخی از این روشها بررسی می گردد:

۱. تقلید:

کودک بر اثر غریزه ی تقلید می تواند از والدین و مربیان خصوصیات را پذیرا باشد؛ در نتیجه والدین و مربیان می توانند از این روش برای هدایت کردن کودکان نسبت به یک امر عبادی استفاده کنند. وقتی والدین خودشان نماز می خوانند می تواند زمینه ای برای او ایجاد کنند تا او هم تقلید کند و نماز بخواند (علی صفایی حایری، ص ۴۸)



در این راستا شرکت دادن کودکان در نماز جماعت و تشویق کردن آن‌ها به همراهی در مسجد دامنه این تقلید را وسعت می‌بخشد.

گریزه ی تقلید از شعبات گریزه کمال جویی و قهرمان پرستی است. در بحث تقلید والدین و مربیان نقش اساسی دارند؛ یعنی باید طوری برخورد کنند که متریان از او الگو بگیرند و خود مربی جذابتی را برای کودکان ایجاد کند تا آن‌ها تشویق به مسایل عبادی شوند؛ مثلاً یک نمونه از مسایل عبادی که نماز می‌باشد، وقتی که خود مربی مشغول انجام این فریضه واجب شد در کنار جانماز خود، یک جانماز هم برای کودک پهن کند و بها دادن به کودک، یعنی برای او هم این مساله وجود دارد که نماز بخواند. با این کار علاوه بر اینکه نماز خواندن تقلید می‌شود شخصیت کودک را هم مربی رشد می‌دهد.

۲. داستان یا هنر

در روانشناسی یادگیری یکی از مهمترین ابزارهای یادگیری در کنار تفکر، تخیل و تجسم می‌باشد. والدین یا مربیان می‌توانند به وسیله ی داستان از در مخفی وارد شوند و خصوصیات مثبت را در ناخودآگاه کودک وارد کنند. میتوان با این شیوه عقوبت انجام ندادن مسایل عبادی را در قالب داستانک به کودک بازگو کرد و این داستان‌ها کودک را آماده میکند و ناخودآگاه او را به حرکت و امیدارد.

۳. رقابت

تقلید، بزرگ کردن شخصیت کودک بود. ولی رقابت تحریک کردن شخصیت کودک است و اراده ی کودک را بارور میکند. رقابت، به معنای تحقیر شخصیت کودک نیست، چون اگر اینطور باشد حسادت و عقده در دل او ایجاد می‌شود و این به هیچ وجه ما را به مطلوب نمی‌رساند، بلکه در عین حال که می‌خواهیم رقابت را به او القا کنیم، باید توجه داشت که استقلال کودک مورد حمله واقع نشود؛ به طور مثال اگر مربی به کودک سرکوفت بزند؛ مثل اینکه تو به هیچ جایی نمیرسی، این شخصیت کودک را مورد تحقیر قرار می‌دهد. اما یک موقع او را تشویق میکند که مثلاً تو بهتر از فلانی هستی. این طرز برخورد با او استعداد های او را شکوفا میکند و به او فرصت می‌دهد که حرکت کند.» (علی صفایی حایری، ص ۵۰)

۴. قهر

روحیات کودکان یکسان نیست، چه بسا بعضی‌ها از رقابت و تقلید تادیب نشوند و رشد نکنند. از این گذشته، همیشه نمی‌توان از یک عامل به طور مداوم استفاده کرد و اگر مربی از یک روش نتیجه نگرفت از روشهای دیگر استفاده می‌کند. یکی از روشهای مکمل در تربیت کودک، قهر و تنبیه می‌باشد؛ مثلاً مربی چنان وانمود می‌کند که دیگر فلانی را دوست ندارم، چون فلان کار را انجام نداده یا فلان برنامه را اجرا نکرده یا موارد دیگری از رفتارهای تنبیهی. در روایات بسیاری به این روش اشاره شده است. شخصی می‌گوید یا ابالحسن از پسر شکایت دارم حضرت فرمود: «او را کتک زن، با او قهر کن و از او فاصله بگیر اما باز هم طولش نده»، چون این کار بچه را میشکند و تنهایی و شکست بچه را فراری می‌دهد. با این که بی‌خیالی کودک کار را خراب میکند، در هر صورت نباید این ناراحتی طولانی شود.

۵. محبت و احسان

انسان اسیر محبت است که یک امر درونیست و همه به آن نیاز دارند لذا برای سوق دادن کودک نسبت به عمل عبادی محبت و احسان نقش موثر دارد. در نتیجه محبت باعث میشود کودک از اسارت و شکست ها و خواری ها نجات یابد؛ «اما اینکه چه کسی محبت میکند خیلی مهم است. بعضی محبت‌ها بی‌بهره است؛ محبت ابزار نیست برای رشد دادن کودک؛ چون شیرین ولذت بخش هم می‌باشد، می‌توان از این طریق، لذت‌های کاذب را جلوگیری کرد. پس محبت نیرویی است که کارها را راحت میکند و راه‌ها را برای رسیدن به هدف نزدیک میکند. محبت مانند آبی است که به گیاهی

میرسد اگر نباشد گیاه خشک میشود؛ اگر هم بیش از حد شود ریشه ی گیاه می‌گنجد و می‌خشکد و باز گیاه ازین می رود.» (علی صفایی حایری، ص ۶۰)

شرایط و محیط لازم برای آموزش عبادیات به کودک

۱. آماده سازی در کودکان :

یکی از اصول تربیتی در تربیت عبادی، اصل زمینه سازی و ایجاد انگیزه و آمادگی لازم برای کودکان از نظر روانی و عاطفی نسبت به عبادت می باشد. این اصل علاوه بر تاکید نسبت به عبادات، باعث آمادگی و پذیرش و انجام تکالیف شرعی می شود و همین جلوگیری از کم اهمیتی و بی توجهی کودکان نسبت به مسایل عبادیست. قبل از اینکه کودک به سن بلوغ برسد طبق اصل زمینه سازی باید رویارویی صحیح با احکام و مسایل عبادی به کودکان توسط والدین آموزش داده شود و همین امر در رشد و کمال معنوی انسان تاثیر به سزایی دارد.

هدف از تربیت عبادی در دوره کودکی رشد و تقویت و ایجاد آمادگی لازم برای بهتر انجام دادن تکالیف و مسایل عبادی است و همین مساله حس تکلیف پذیری در کودکان را ارتقاء می دهد و تکلیف پذیری تشویقی است برای کودکان در مسایل عبادی و اگر کودک بدون آمادگی مکلف به تکلیف شود، طبیعی است که از عهده آن تکلیف بر نمی آید. چه بسا که میزان تکلیف پذیری در آن پایین می آید پس در نتیجه برای زمینه سازی مسایل عبادی در کودکان ابتدا باید تمهیداتی فراهم شود که در دین مقدس اسلام به آن اشاره شده است؛ برای مثال مستحب است هنگام تولد در گوش نوزاد صوت ملکوتی اذان و اقامه نواخته شود. فلسفه اذان و اقامه در گوش نوزاد شاید این باشد که این عمل آثار روانی و تربیتی بسیار مفیدی در کودک به جای می گذارد و گرایش

فطری کودک را نسبت به خدا و پرستی آن رشد می دهد و نخستین بار نماز را در دل کودک می کارد. (علی فقیهی، ص ۳۰)

در مورد مسایل عبادی از جمله روزه هم که یک تکلیف و فریضه از سوی خداوند متعال می باشد، دستور داریم برای جذب و تشویق و عادت کودکان به روزه، به اندازه توانایشان روزه بگیرند و هر گاه تشنه یا گرسنه شدند روزه را افطار کنند در حقیقت این یک نوع زمینه سازی و آماده سازی کودکان برای گرفتن روزه قبل از سن تکلیف است کم کم عادت دادن آن ها به مسایل عبادی می باشد لذا روزه برای کودک در سن هفت سالگی مستحب می باشد تا در زمان بلوغ به آن عمل دعوت شود (ابو منصورین یوسف حلّی ج ۳ ص ۴۸۸)

۲. تاکید بر آموزش بر مبنای مشاهده عینی کودک

اسلام به مشاهده و تجربه اهمیت فراوانی می دهد زیرا مشاهده و تجربه و تفکر و تعلیم و سالی هستند که به انسان قدرت تمییز دادن مسایل را از یکدیگر می دهد (سید احمد احمدی، ص ۸۱)

اگر عبادت از جمله نماز در معرض دید و مشاهده کودک تحقق یابد اثر تربیتی و سازنده ای را به دنبال دارد افزون بر اینکه تاثیر روحی و روانی و موجب تشویق و ترغیب کودک و انجام آن عمل عبادی می شود، در روایتی از امام صادق (ع) می فرماید: حضرت علی (ع) در خانه خود اتاق متوسطی را به نماز اختصاص داده بود و در آن اتاق عبادت و راز و نیاز می کرد و هر شب که طفلی به خواب نمی رفت امام او را به آن اتاق می برد و نماز می خواند (منبع: محمد بن حسن حر عاملی، ج ۵ ص ۲۹۵) پس گرایش کودکان به مسایل عبادی بستگی به عملکرد والدین دارد وقتی کودکان می بینند که والدین نسبت به امور عبادی حساسیت به خرج می دهند خود به خود در این مسیر قرار می گیرند و بدان عمل عبادی علاقه مند می شوند (محمد جواد مزوجی طبسی، ص ۱۶۸)

۳. ارتباط کودکان با اماکن مذهبی

حضور کودکان همراه والدین در اماکن مذهبی یا مساجد و شرکت دادن آن ها در برنامه های مذهبی به ویژه نماز جماعت به ویژه اگر همراه با تشویق باشد رغبت آن ها به



مسجد و اقامه ی نماز بیشتر می شود شهید مطهری درباره نقش مسجد در تشویق کودکان به عبادت معتقد است ((بچه را باید در محیط مشوق نماز خواندن برد به تجربه ثابت شده است اگر بچه به مسجد نرود اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند به این کار تشویق نمی شود چون اصلا حضور در جمع مشوق انسان است . آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می بیند روح عبادت بیشتری پیدا می کند بچه که بیشتر تحت تاثیر است... اینکه بچه ها کمتر در مجالس مذهبی شرکت می کنند سبب می شود که این ها از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم در این اوضاع و احوال امروز چقدر به مسجد می رویم که بچه هایی که هفت ساله شده اند به دبستان رفته اند و به دبیرستان و بعد به دانشگاه ولی اصلا پایشان به مسجد نرسیده است بروند . خوب اینها قهرا از مساجد فراری می شوند)) (منبع: شهید مرتضی مطهری گفتار های معنوی ص ۴) در این باره روایتی از امام حسن مجتبی (ع) نقل شده است که حضرت می فرماید: نماز ظهر یا عصر را در محضر رسول خدا (ص) خواندم همین که حضرت سلام نماز را دادند به ما فرمودند بر جایمان بمانید آنگاه برای تقسیم ظرف حلوایی در میان نماز گزاران از جا برخاستند و به هر کدام مقداری حلوی می خوراندند تا اینکه به من رسیدند من کودک بودم آن حضرت قدری حلوا به من خوراند سپس باز هم بدهم؟ عرض کردم آری آن حضرت به خاطر خرد سال بودنم باز هم مقداری به من خورانید و بدین حال بود تا آنکه به همه حلوا خوراند (علی نقی فقیهی ، ص ۵۹) طبق روایت نقل شده لازمه ی موفقیت در این کار در کنار عبادت و نماز و برنامه های متنوع و جذاب وجود داشته باشد مانند اهدای جوایز، شیرینی دادن یا کارت تشویق . این ها راه هایی است برای جذب کودکان و ایجاد جذابیت و زمینه ی جذب آنان بر عبادت را فراهم می کند .

منابع:

قرآن کریم

- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه
- صفایی حائری، علی، تربیت کودک
- فقیهی، علی تقی، شیوه های ترغیب و جذب نماز
- احمدی، سید احمد، اصول و روشهای تربیت در اسلام
- مطهری، مرتضی، گفتار های معنوی
- مزوجی طوسی، محمد جواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت
- حلی، ابومنصور حسن بن یوسف، مختلف الشیعه، ۱۴۲۳

